## معنای پذیرش شروط پوتین از سوی ترامپ چیست؟

# شورش علیه نظم بین الملل

عکس / AP

تحلیل

علیرضا حجتی
دبیر گروه بین الملل

ترامپ، در صورت موفقیت می‌تواند پایه‌های نظام بین‌الملل که بعد از کنگره وین در سال ۱۸۱۵، شاکله سیستم بین‌الملل را بنیان گذاشت با مشکل مواجه کند

اگر جهان هنوز تحت تأثیر شوک و وحشتی است که سیاست خارجی ترامپ دوم ایجاد کرده، شاید همان‌طور که رونالد ریگان زمانی مطرح کرد باید گفت: «هنوز چیزی ندیده‌اید.»

مهر تأیید رئیس جمهوری آمریکا بر دستاوردهایی که ولادیمیر پوتین در اوکراین روی زمین به دست آورده است و شماتت اوکراین و رئیس جمهوری آن ولودیمیر زلنسکی، برای اروپا بسیار غافلگیرانه و کابوس وار است، به رسمیت شناختن تصرفات روسیه در اوکراین، برای نظم جهانی قرن بیست و یکم اما چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

برای رئیس جمهوری آمریکا که خود در سودای فتح گرینلند است و می‌خواهد کانادا را به عنوان پنجاه ویکمین ایالت به آمریکا الحاق کند و غزه را تصرف کرده و آن را به یک ریویرای خاورمیانه‌ای تبدیل کند، تصرفات ارضی فدراسیون روسیه در اوکراین یک اتفاق هیجان انگیز و رضایت بخش است.

ترامپ حتی اتفاقات سوریه پسا اسد را چیزی جز جاه طلبی ارضی رئیس جمهوری ترکیه ندیده است. او پیش از استقرار در کاخ سفید گفت: «اردوغان آدم بسیار باهوشی است. هزاران سال بود که آنجا را می‌خواستند و الان او سوریه را به دست آورد. آن آدم‌هایی که آنجا را تصرف کردند تحت کنترل ترکیه هستند و این اشکالی ندارد.»

بعد از برگزاری مذاکرات هیأت‌های دیپلماتیک بلندپایه آمریکا و روسیه در عربستان سعودی درباره صلح و در مذاکراتی که اوکراین از آن کنار گذاشته شد، مسکو و واشنگتن برنامه‌ای سه‌مرحله‌ای ارائه کرده‌اند که شامل آتش‌بس، انتخابات در اوکراین و امضای توافق نهایی صلح است. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، پس از دیدار مقام‌های آمریکایی با روسیه به‌شدت از زلنسکی انتقاد کرد و رئیس جمهوری اوکراین را بی‌کفایت خواند. به نوشته نیویورک تایمز اظهارات ترامپ که اوکراین را آغازگر جنگ معرفی کرده، نگرانی‌ها در میان اوکراین و متحدان آمریکا را افزایش خواهد داد.

این نگرانی‌ها به این احتمال دامن می‌زند که دولت ترامپ عملاً جانب مسکو را گرفته است. رئیس جمهوری آمریکا آماده است همان‌طور که مدعی شده سیاست خارجی ۸۰ ساله واشنگتن را «زیر و رو کند». این تغییر که نشانه‌های بیشتر آن در مذاکرات با روسیه در ریاض آشکار شده نمادی از رویکرد کلی‌تر ترامپ در راهبردهای کلان و مسلط دیپلماسی آمریکایی است که حالا او به دنبال بازتعریف آنها و شکل دهی به روابط بین‌المللی بدیع و اولویت‌دهی به منافع ملی آمریکا به شیوه‌ای متفاوت از رؤسای جمهوری پیشین است.

دونالد ترامپ، در صورت موفقیت می‌تواند پایه‌های نظام بین‌الملل که بعد از کنگره وین در سال ۱۸۱۵، شاکله سیستم بین‌الملل را بنیان گذاشت با مشکل مواجه کند. نظمی که بعد از جنگ‌های ناپلئونی در اروپا شکل گرفت و یک توازن میان قدرت‌های بزرگ وقت برقرار کرد. حالا یک معامله‌گر نیویورکی در بازگشتش به کاخ سفید شکوه ناپلئون بناپارت را الگوی عملی خود قرار داده است.

دونالد ترامپ با ترکیب کشورگشایی ناپلئونی و ویلیام مک کینلی رئیس جمهوری قرن نوزدهمی آمریکا که عصر طلایی (شعار ترامپ) ایالات متحده به او منسوب است، سیاست «اول آمریکا» را در بیرون از مرزهای ایالات متحده پیگیری می‌کند؛ چه اینکه ترامپ روز شنبه درتروث سوشیال و ایکس خود نوشت: «کسی که کشورش را نجات دهد هیچ قانونی را نقض نمی‌کند.» این عبارت به ناپلئون بناپارت نسبت داده می‌شود که در اوایل دهه ۱۸۰۰ خود را امپراطور فرانسه اعلام کرد.

دوران «عصر طلایی» آمریکا در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، زمانی که ویلیام مک‌کینلی رئیس جمهوری بود ۲ ویژگی اصلی داشت؛ تعرفه‌های تجاری سنگین برای حفاظت از شرکت‌های آمریکایی و ترویج صنعتی سازی و گسترش قلمرو آمریکا. در دوران مک‌کینلی واشنگتن تعدادی از سرزمین‌های جدید را به دست آورد؛ از جمله پورتوریکو، گوام، فیلیپین و هاوایی.

ترامپیسم در سیاست خارجی آمریکایی اصولاً با راهبردهایی همچون «انزواگرایی» بر اساس دکترین مونروئه یا «استثناگرایی» (Exceptionalism) توصیف شده، اما ترامپ در دوره جدید نشان داده است می‌خواهد سیاست‌های تهاجمی مداخله‌جویانه را بیرون از مرزهای آمریکا دنبال کند؛ یا به عبارتی ترکیبی از این ۲ راهبرد را اجرایی کند. بنابراین «اول آمریکا»ی (American First) دوره دوم ترامپ، احیای دکترین مونروئه و بسط آن است که محدود به نیمکره غربی نمی‌شود. این همان چیزی است که مشاور امنیت ملی ترامپ، مایکل والتز، ماه گذشته از آن به عنوان «دکترین مونروئه ۲» یاد کرد.

فراتر از تحریک ملی‌گرایی ضدآمریکایی، چنین سیاستی به رقبایی چون چین، روسیه و سایر قدرت‌های منطقه‌ای مشروعیت می‌دهد تا حوزه‌های نفوذ خود را گسترش دهند

اندیشکده کارنگی می‌نویسد: در ماه مه ۲۰۲۴ «هال برندز» تاریخدان پیش‌بینی کرد دوره دوم ترامپیسم احتمالاً با یک دکترین مونروئی احیاشده همراه خواهد بود. او نوشت که واشنگتن احتمالاً از اتحادهای دیرینه خود در اروپا و آسیا فاصله خواهد گرفت و در عوض بر تشدید و شاید سختگیرانه‌تر کردن تلاش‌ها برای حفظ نفوذ آمریکا در دنیای جدید و جلوگیری از نفوذ رقبا در این منطقه تمرکز خواهد کرد.»

اما احیای صریح دکترین مداخله‌گرایانه مونروئه می‌تواند پیامدهای عمیقاً منفی داشته باشد. فراتر از تحریک ملی‌گرایی ضدآمریکایی، چنین سیاستی به رقبایی چون چین، روسیه و سایر قدرت‌های منطقه‌ای مشروعیت می‌دهد تا حوزه‌های نفوذ خود را گسترش دهند. احیای دکترین مونروئه توسط ترامپ پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای همسایگان چین خواهد داشت. متحدان آمریکا مانند فیلیپین و ویتنام که در تلاش برای مقاومت در برابر توسعه‌طلبی چین هستند، آسیب‌پذیر خواهند شد. از سوی دیگر، روسیه نیز مدت‌هاست به دنبال احیای نفوذ خود در «خارج نزدیک» (همسایگان شوروی سابق) از جمله اوکراین و سایر جمهوری‌های شوروی پیشین بوده است.

تغییرات سیاست خارجی در سازوکار ترامپیسم به این معناست که هر چه در چند دهه قبلی روایت مسلط دیپلماسی حاکم بر ساختار آمریکا بوده است باید زیر سؤال رفته، از بین برود و معکوس آن اجرایی شود. رویکردی که ترامپ درباره اوکراین در پیش گرفته است برگرفته از این دیدگاه است.

ترامپ نه تنها می‌خواهد روابط تجاری با تمام کشورهای جهان را بازتعریف کند، بلکه می‌خواهد جهان، سیاست‌های خارجی خود را تغییر دهد تا با پایان «پکس آمریکانا» (Pax Americana- نظم جهانی برگرفته از هنجارهای لیبرال رویای آمریکایی) سازگار شود.

اگر روسیه برای اروپا یک تهدید امنیتی وجودی برشمرده می‌شود که بر اساس آن «طرح مارشال» آمریکا بتواند از قاره سبز محافظت کند، ترامپیسم خود را از این بند رها می‌کند و تعهدات آمریکایی را یک بار اضافه می‌داند. او حتی اروپا را شایسته حضور در مذاکراتی که با امنیت مستقیم این قاره مرتبط است، نمی‌داند و تصمیم می‌گیرد سرنوشت صلح اوکراین در ریاض تعیین شود.

پس از تماس ترامپ و پوتین، کرملین اعلام کرد دو مسیر مذاکره موازی وجود خواهد داشت: یکی بین ایالات متحده و روسیه و دیگری که شامل اوکراین می‌شود. دومی مذاکرات دوجانبه با آمریکاست که می‌تواند برای روسیه مفید باشد، زیرا پوتین امیدوار است که بتواند ترامپ را بدون دخالت اروپا یا اوکراین تحت تأثیر قرار دهد. با آغاز مذاکرات صلح در عربستان سعودی، ترامپ به صراحت اعلام کرد روزهای انزوای روسیه به پایان رسیده است و گفت که اوکراین مقصر حمله به روسیه است.

رئیس جمهوری آمریکا همچنین گفت: «در اوکراین هیچ انتخاباتی برگزار نشد، حکومت نظامی وضع شد، از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، رؤسای جمهوری آمریکا ابتدا اتحاد جماهیر شوروی و پس از یک دوره کوتاه، روسیه را حداقل به‌عنوان نیرویی که باید درباره آن احتیاط کرد، می‌دیدند. اما ترامپ به نظر می‌رسد که روسیه را به‌عنوان یک شریک در پروژه‌های مشترک آینده می‌نگرد.

محبوبیت زلنسکی بشدت کاهش یافته است و کشورش ویران شده است.» ترامپ با بیان اینکه روسیه قصد نداشت کی‌یف را نابود کند، اضافه کرد: «اگر می‌خواستند این کار را می‌کردند. شهرهایی در اوکراین مانند غزه هستند که حتی یک ساختمان سالم در آن وجود ندارد.»

او «ولودیمر زلنسکی» رئیس جمهوری اوکراین را کاملاً بی‌کفایت توصیف و تصریح کرد: «زلنسکی نمی‌داند نیمی از ۳۵۰ میلیارد دلاری که به اوکراین دادیم کجا رفت. اظهارات او مضحک است و ریاست جمهوری‌اش باعث ادامه جنگ شد.»

یک چیز درباره سیاست اوکراینی ترامپ روشن است: منطق حوزه‌های نفوذ، در مرکز رویکرد او نسبت به نظم جهانی قرار خواهد داشت. این مسأله بخشی از تمایل دیرینه او برای عقب‌نشینی از جهانی‌گرایی، چندجانبه‌گرایی، اتحادهای پیچیده و جنگ‌های بی‌پایان در کشورهای دوردست است. در حقیقت، او احتمالاً با سخن معروف وزیر خارجه وقت، جان کوئینسی آدامز در سال ۱۸۲۱ موافق خواهد بود: «آمریکا به دنبال هیولاها در آن سوی مرزها نمی‌رود تا آنها را نابود کند.»

## درسی که اوکراین برای تهدیدات مرزی در شمال و جنوب کشورمان دارد

# ایران هشیار باشد!

سیاست خارجی

رضا عدالتی پور
روزنامه‌نگار

اظهار نظر روز سه‌شنبه ترامپ که «اوکراین باید سه سال قبل جنگ را تمام می‌کرد و اصلاً نباید جنگ شروع می‌شد» سمت‌وسوی مشخصی به محتوای دیدار ۴ ساعته مقامات ارشد آمریکا و روسیه درباره اقدامات مرتبط با پایان دادن به جنگ در اوکراین داد.

ناظران تحولات بین‌الملل معتقدند که این اظهارنظر ترامپ آن هم بعد از برگزاری جلسه‌ای که بدون حضور مقامات اوکراینی برگزار شد و گلایه آنها را به دنبال داشت، به معنای پذیرش خواسته‌های رئیس جمهوری روسیه درمورد اوکراین است.

این اتفاق لحظه‌ای تاریخی بود که بار دیگر ثابت کرد کشورها برمبنای دستیافته‌ها و داشته‌های عینی و ملموس خود روی زمین چانه‌زنی و معامله خواهندکرد. رخدادی که اگرچه کاملاً منطبق بر کنفرانس «یالتا» نیست، اما می‌توان آن را «زنده شدن شبح یالتا» پس از ۸۰ سال عنوان کرد.

کنفرانس یالتا که از ۴ تا ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ برگزار شد، نقطه‌عطفی مهم در مسیر روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم بود، بویژه بر روابط آینده بین ایالات متحده، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی تأثیر گذاشت. هدف از این نشست، ایجاد یک سازماندهی مجدد برای اروپای پس از جنگ و رسیدگی به آینده آلمان پس از شکست قریب‌الوقوع آن بود.این کنفرانس علی‌رغم اینکه در ابتدا نمادی از همکاری بین قدرت‌های جهانی بود، اما در نهایت به نشانه‌ای برای قربانی شدن کشورهای ضعیف در فضای دادوستد و مصالحه قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. به عبارت دیگر، گفتمان پیرامون کنفرانس یالتا نشان می‌دهد که تصمیمات مهم اغلب بدون مشورت با کشورها و مردمی که بیشترین آسیب را دیده‌اند، اتخاذ شده است. مشابه الگویی که در زمان تقسیم آفریقا دنبال شد. جایی که سرزمین‌های مستقل بین قدرت‌های استعماری با کمترین توجه به جمعیت محلی تقسیم شدند.

هدیه ترامپ به پوتین را می‌توان عبور از «نظم بین‌المللی مبتنی بر قاعده» یا Rules-based International Order (RBIO)دانست که همواره مدنظر سیستم دوحزبی آمریکا و بویژه دموکرات‌ها بود. جایی که اراده ترامپ در راستای اولویت دادن به «اول آمریکا» عبور از نمادها و باورهایی بود که نظم بین‌الملل لیبرال را برای دهه‌های متمادی شکل داده بود و اکنون تأکید دارد که امور دنیا در فرآیندهای مرتبط با رئالیسم کلاسیک و منطق قدرت به شکل عریان آن و در تناقض با عالی‌ترین اصول اولیه حقوق بین‌الملل که احترام به حاکمیت دولت‌هاست، بازتعریف می‌شود.

وضعیتی که باتوجه به ژئوپلیتیک پویای اطراف ایران، باید مدنظر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور قرار گیرد. از آنجا که «رویه‌سازی» در روابط دیپلماتیک از جمله اقدامات مرسوم برای حل‌وفصل مسائل بین قدرت‌های بزرگ است، می‌توان مذاکره بر سر اوکراین را یک رویه جدید قلمداد کرد که اگر هوشیاری دقیقی از جانب ایران درباره آن وجود نداشته باشد، در آینده نه‌چندان دور منافع ملی کشورمان در مرزهای شمالی و حتی جنوبی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

در حال حاضر هم در خلیج فارس و هم در قفقاز جنوبی تهدیداتی پیرامون ایران وجود دارد که ناشی از تعامل پیچیده رقابت‌های منطقه‌ای و تغییرات پویایی ژئوپلیتیکی و حتی رقابت قدرت‌های بزرگ است. در این بین همراهی آمریکا با تحولات تهدیدزا علیه مرزهای ایران علاوه بر ابعاد نظامی و امنیتی با پیش‌زمینه‌های دیپلماتیک در حال عادی شدن و رویه‌سازی است. بخشی از این اقدامات رویه‌ساز در بیانیه‌های ضدایرانی کنفرانس‌های بین‌المللی که با محوریت کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس برگزار می‌شود، نمود می‌یابد.

واقعیت این است که ملاحظات ایران برای حفظ تمامیت ارضی خود ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد که عمدتاً در اثر تهاجم خارجی در قرن‌های گذشته و برخی خباثت‌های جریان‌های قدرت در داخل شکل گرفته است. تاریخ ایران منعکس‌کننده مبارزه مستمر برای حفظ حاکمیت در برابر قدرت‌های مختلف، از امپراطوری‌های باستانی تا موجودیت‌های ژئوپلیتیک مدرن است. بررسی روندهای تاریخی در این عرصه حاکی از این است که تنها راه ممکن برای صیانت از تمامیت ارضی ایران، رعایت اصول بازیگری برپایه منطق آنارشیک نظام بین‌الملل است. اصولی که در رأس آن مفاهیم حیاتی نظیر به‌کارگیری عقلانیت ابزاری، خودیاری، بقا، ائتلاف‌سازی و موازنه قوا و تقدم ژئوپلیتیک بر هر موضوع دیگر در تصمیم‌گیری از جمله آنهاست.

در مجموع می‌توان این‌طور نتیجه گرفت، موضع ترامپ درباره اوکراین نه صرفاً یک تغییر در سیاست قدرت‌های بزرگ، بلکه بازتعریف نظم جهانی بر پایه منطق قدرت و رئالیسم کلاسیک است و حفظ منافع ملی ایران در چنین شرایطی، مستلزم اتخاذ راهبردهایی است که نه‌تنها بر پایه دیپلماسی فعال و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای باشد، بلکه توانایی بازدارندگی کشور را نیز تقویت کند. تاریخ مملو از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد تنها کشورهایی که توانسته‌اند با واقع‌بینی و عقلانیت ابزاری در برابر فشارهای خارجی مقاومت کنند، از آزمون‌های سخت ژئوپلیتیکی سربلند بیرون آمده‌اند. ایران نیز باید با تکیه بر این تجربه تاریخی، جایگاه خود را در نظم جهانی جدید تثبیت کند و از تمام ابزارهای موجود برای صیانت از حاکمیت و تمامیت ارضی خود بهره گیرد.

تاریخ مملو از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد تنها کشورهایی که توانسته‌اند با واقع‌بینی و عقلانیت ابزاری در برابر فشارهای خارجی مقاومت کنند، از آزمون‌های سخت ژئوپلیتیکی سربلند بیرون آمده‌اند. ایران نیز باید با تکیه بر این تجربه تاریخی، جایگاه خود را در نظم جهانی جدید تثبیت کند

سایپا یدک
سازمان خدمات پس از فروش سایپا

آگهی مزایده عمومی
فروش انواع قطعات یدکی خودرویی، خودروهای غیرقابل شماره‌گذاری به شرط دمونتاژ (۹ سبد)

شرکت بازرگانی سایپایدک (سهامی خاص) در نظر دارد تعدادی از انواع قطعات یدکی خودرویی و خودروهای غیرقابل شماره‌گذاری به شرط دمونتاژ (۹ سبد) را به‌شرح جدول ذیل از طریق مزایده عمومی به‌فروش رساند. لذا دعوت به‌عمل می‌آید از تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ لغایت ۱۴۰۳/۱۲/۰۶ تا پایان ساعت اداری جهت دریافت اسناد مزایده با ارائه کارت شناسایی معتبر به نشانی، تهران، چهارراه ایران خودرو (جاده قدیم کرج)، به سمت شهرک دانش- خیابان کرمانی- انبار اقلام نامنطبق شرکت سایپایدک و یا سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.saipayadak.org مراجعه نمایند.

شماره تماس ۰۲۱۶۶۲۸۴۹۹۳

| ردیف | شرح کالا | مبلغ سپرده (ریال) | قیمت پایه(ریال) |
|---|---|---|---|
| ۱ | انواع قطعات یدکی خودرویی ۳۵ ردیف (ذینفع شرکت بن رو) | ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰ | فاقد قیمت پایه |
| ۲ | انواع قطعات یدکی خودرویی ۸۵ ردیف (ذینفع شرکت تاپکو) | ۷۹/۲۰۰/۰۰۰ | فاقد قیمت پایه |
| ۳ | انواع خودروهای غیرقابل شماره‌گذاری به شرط دمونتاژ (۸ دستگاه با ذینفع تاپکو) | ۸۸/۰۰۰/۰۰۰ | فاقد قیمت پایه |
| ۴ | انواع قطعات یدکی خودرویی ۳۷۴ ردیف(ذینفع شرکت سایپا یدک) | ۴۲۰/۰۰۰/۰۰۰ | فاقد قیمت پایه |
| ۵ | انواع قطعات یدکی خودرویی ۳۷۷ ردیف(ذینفع شرکت پارس خودرو) | ۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | فاقد قیمت پایه |
| ۶ | انواع قطعات یدکی خودرویی ۷۵۳ ردیف(ذینفع شرکت پارس خودرو) | ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | فاقد قیمت پایه |
| ۷ | انواع قطعات یدکی خودرویی ۳۸۵ ردیف(ذینفع شرکت پارس خودرو) | ۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | فاقد قیمت پایه |
| ۸ | انواع قطعات یدکی خودرویی ۹۸۳ ردیف(ذینفع شرکت پارس خودرو) | ۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | فاقد قیمت پایه |
| ۹ | انواع قطعات یدکی خودرویی ۱۷۸ ردیف (ذینفع شرکت سازه گستر) | ۱/۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۶/۷۱۰/۰۰۰/۰۰۰ |

روابط عمومی سایپایدک

نوبت اول
شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین (سهامی عام)

آگهی تجدید مناقصه عمومی
انتخاب پیمانکار اجرای عملیات آسفالت خیابان‌های محدوده باسکول جاده شماره ۲۶ سایت سیرجان (نوبت دوم)
(مناقصه شماره 403-TC-24)

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین (سهامی عام) در نظر دارد پیمانکار واجد شرایط و صلاحیت به‌منظور "اجرای عملیات آسفالت خیابان‌های محدوده باسکول جاده شماره ۲۶" این شرکت واقع در سایت سیرجان را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به‌همراه انجام فرآیند ارزیابی کیفی، شناسایی و انتخاب نماید. متقاضیان می‌بایست پس از خرید اسناد، نامه اعلام آمادگی و فیش واریزی را از طریق ایمیل به دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند.

متقاضیان واجد صلاحیت پس از دریافت پاکت‌های مناقصه از دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در مجتمع یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران، پیشنهادات خود را تا قبل از مهلت مقرر به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربی، شماره ۱۲، طبقه ۵ تحویل دهند.

شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:
• پیمانکار باید سابقه کار مشابه داشته باشد.
• دارای گواهی نامه صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه کشور حداقل در پایه ۵ رشته راه و ترابری
• دارای گواهی‌نامه صلاحیت ایمنی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
• ارائه معرفی‌نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌حساب شماره ۱۱۳۷۸۰۰۲۰۰۰۷۵ نزد بانک سپه و یا حساب شماره ۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ نزد بانک ملت به‌نام شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

جهت شرکت در فراخوان مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار اجرای عملیات آسفالت خیابان‌های محدوده باسکول جاده شماره ۲۶ شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین
• مهلت تهیه اسناد: از پنج‌شنبه ۱۲/۰۲/ ۱۴۰۳ساعت ۰۷:۳۰ تا دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ساعت ۱۴:۰۰
• متقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده، حاوی مدارک کاغذی و CD که نام و نشانی درخواست‌کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.
• کارفرما در انتخاب شرکت‌ها جهت دعوت به مناقصه و همچنین در رد یا قبول پیشنهاد پیمانکاران براساس صلاحدید خود کاملاً مختار بوده و لذا شرکت در مناقصه، حقی برای ایشان درخصوص تصمیمات کارفرما در بر نخواهد داشت.
• جهت اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۴ و ۰۲۱-۵۷۶۲۳ داخلی ۱۷۵۲
• آدرس‌های الکترونیکی (TC@goharzamin.com و goharzamin.TC@gmail.com) به‌صورت هم‌زمان مکاتبه نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

ایران سازمان آگهی‌های بازرگانی
پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
۱۸۷۷